

میدون و سوفیا

کی از رویی رد شد؟

● **بوريا عالمسی**: واعظی، رئیس دفتر رئیس جمهور حسن روحانی، گفته: در دو انتخابات گذشته حسن روحانی با هیچ جریان سیاسی‌ای اختلاف نکرد و رئیس جمهور هم از کسی عبور نکرده است. این‌طور که ما متوجه شدیم، هاشمی‌رفسنجانی و خاتمی به روحانی گیر داده بودند که با آنها عکس بگیرد. مناسفانه هاشمی‌سی از این اخلاق‌ها داشت، خاتمی هم خیلی آدم گیری است و عادت دارد برود با این و آن اختلاف کند و خودش را بیندازد سر زبان‌ها. گفته می‌شود قالیباف و رئیسی و میرسلیم هم گیر سه‌بیچ داده بودند با روحانی ائتلاف کنند که قبول نکرد.

حتی گفته می‌شود اوباما برای انتخابات بعدی آمریکا و رقابت با ترامپ، به روحانی پیشنهاد ائتلاف داده. ترامپ هم گفته اگر روحانی با اوباما ائتلاف کند، ترامپ هم با فراستی ائتلاف می‌کند.

از طرفی گفته شده روحانی از کسی عبور نکرده است. اصلاح‌طلبان اعلام کردند بابا بردشن که خوبه؛ این دنده‌عقب هم گرفه!

جمع‌بندی: سوفیا... عشقم... من الان حالت ازدواج دارم و با تو ائتلاف می‌کنم، اما بعدا با تو طلاق می‌کنم! حواست باشد.

شهر وندی

گرمخانه

● چند روز پیش فیلمی کوتاه منتشر شده و از مردم خواسته است تا هر کارت‌خوانی را که در شهر می‌بینند با شماره ۱۸۱۸ به شهرداری اطلاع دهند. هدف نیز مراقبت شبانه در برابر سرما و گرسنگی است. آنها به گرمخانه می‌روند و شب را در آن سپری می‌کنند. آن‌طور که ولی‌الله شجاع‌پوریان به فارس گفته است، طبق بخش‌نامه و دستورالعملی که درخصوص رسیدگی به وضعیت کارت‌ن‌خواب‌ها به تمامی مناطق ۲۲گانه شهرداری ابلاغ شده است، مسئولان مناطق باید روزانه گرمخانه‌ها را چک کنند و همچنین باید امکانات زیرساختی هم فراهم شود. از طرفی گشت‌های شهرداری نیز در سطح شهر می‌چرخند و اگر کارت‌ن‌خوابی به مراکز مراجعه نکرده باشد، آنها را جمع‌آوری و به گرمخانه‌ها منتقل می‌کنند. قرار است این تدابیر سبب شود که کارت‌ن‌خوابی برا اثر سرما و گرسنگی فوت نکند، اما در گزارش‌های خبرگزاری‌ها، از جمله ایسنا که از وضعیت این گرمخانه‌ها منتشر شده است، به نظر می‌رسد چندان هم وضعیت آنها مطلوب نیست.

- تعداد کسانی که ناگزیرند یک شب را در آنجا سپری کنند چندبرابر ظرفیت موجود است.
- معتادان از بقیه مانند مسافران و ... جدا نمی‌شوند.
- حمام اجباری بدون مواد شوینده کافی انجام می‌شود.

- لباس مناسب تمیز در اختیار افراد قرار نمی‌گیرد و کارت‌ن‌خواب‌ها مجبورند با بدن خیس همان لباس‌ها را بپوشند.

- غذای کافی و مناسب برای یک یا دو وعده در اختیارشان قرار نمی‌گیرد؛ مثلا یک کاسه سوپ یا یک تکه نان و به اندازه یک انگشت پنیر.
- فردا صبح هم آنها دوباره روانه خیابان‌ها می‌شوند، به نظر می‌رسد شهرداری در صورت نداشتن بودجه کافی برای این‌س موارد، در برنامه‌ریزی‌هایی‌سی انجام می‌دهد. باید از کمک نهادهای و سازمان‌های فعال و بانجربه در این زمینه‌ها کمک بگیرد یا مثلا شماره‌حساب‌هایی برای کمک به این مسائل به‌طور خاص اعلام شود تا شاید زیرساخت‌های مناسب طراحی و اجرایی شوند.

اتفاق

هنر و بعد چهارم

سمپوزیوم بین‌المللی «هنر و بعد چهارم» نیمه دی‌ماه ۱۳۹۷ در دانشگاه تهران برگزار می‌شود. این رویداد با محور «زمان، فضا و حرکت در هنر» در قالب چهار نشست

مختلف با موضوعات مرتبط با عنوان سمپوزیوم خواهد بود. هر نشست تخصصی موضوع مرتبط با یکی از زمینه‌های زیر را بررسی خواهد کرد: معماری و طراحی شهری، طراحی صنعتی، هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی و موسیقی. همچنین در سخنرانی‌ها، نمایشگاهی از آثار شرکت‌کنندگان در فراخوان برگزار خواهد شد.
نوع شرکت در این سمپوزیوم به ارسال مقاله یا پوستر محدود نمی‌شود بلکه علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را در قالب فایل‌های صوتی و تصویری، مدل‌های پویا یا هرگونه رسانه دیگری که مربوط به موضوع سمپوزیوم باشد، ارسال کنند.
سمپوزیوم «هنر و بعد چهارم» در تاریخ ۱۸ و ۱۹ دی ۱۳۹۷ در تالار شهید آوینی، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزار خواهد شد. این سمپوزیوم مسائل مهم مربوط به مفاهیم مختلف زمان، فضا و حرکت در هنر را به بحث و گفت‌وگو می‌گذارد. این مفاهیم اولیه به مفاهیم دیگری مانند واقعیت، نیرو، پیدایش و ابعاد دیگر هنر اشاره دارند.

شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲ دی ۱۳۹۷ = ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۰ = ۲۳ دسامبر ۲۰۱۸ = سال شانزدهم = شماره ۳۳۲۳ = ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۳ = اذان مغرب ۱۷:۱۶ = اذان صبح فردا ۵:۴۱ = طلوع آفتاب ۱۷:۱۲

روزنفرها

کارتون خواب

داریو کاستیلجوس

ترامپ در بند رویای جهان تـك قطبی



پشت تاریخ

پاسخ‌گویی برای نقض حقوق کودکان

برای پیشبرد سایر وجوه حقوق بشر، افرادی که در قدرت قرار دارند از حمایت از نهاد آموزش‌وپرورش ناتوان مانده‌اند.

«ائتلاف جهانی برای حمایت از آموزش‌وپرورش حقوق بشر در یادداشتی به وضعیت ناگوار میلیون‌ها کودک در مناطق جنگی امروز اشاره کرده است. بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم:

نگاهی به حوادث چند سال اخیر نشان می‌دهد که جهان در حمایت از تعهدات مندرج در اسناد آن، به‌ویژه هنگامی که به محافظت از کودکان مربوط می‌شود، شکست خورده است؛ برای مثال، در بخش‌های تحت کنترل جدایی‌طلبان شرق اوکراین که در آن بیش از ۲۰۰ هزار کودک در مناطق نظامی به مدرسه می‌روند، به پنجره مهدکودک‌ها شلیک شده است. در ماه آوریل (فروردین) نیروی هوایی افغانستان، با حمایت آمریکا و مشاوران ائتلاف ناتو، ۴۳ آموزش، معلم و پدرومادر را در مراسم فارغ‌التحصیلی کشته و ۷۱ نفر دیگر را مجروح کرده است. در ماه آگوست (مرداد) ائتلاف به رهبری عربستان در یمن با بمباران یک اتوبوس مدرسه، ۴۰ پسرچه در سنین ۶ تا ۱۱ سال را کشت.

پیداکردن نمونه‌های هولناک‌تر از خطر و تهدید کودکان در معرض خطر در تاسیسات آموزشی‌کی باید امن‌ترین مکان‌ها باشند، کار سختی نیست. هنگامی‌که جامعه بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد، دنیا جنگ جهانی وحشتناکی را که در آن فجایع متعددی به‌بار آمد، تجربه کرده بود. در آن زمان، رهبران جهان مصمم شدند نظم جهانی عادلانه‌تر و هماهنگ‌تر که حمایت‌های اساسی را برای همه فراهم آورد، تضمین شود.

اما روشن است که امروز اعلامیه جهانی به همان اندازه لازم و مهم است که در آن زمان بود. به گزارش یونیسف، تعداد کودکانی که در مناطق جنگی زندگی می‌کنند نسبت به دهه گذشته ۷۴ درصد افزایش یافته است. علاوه بر آن یک گزارش جدید نشان می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۷ بیش از ۱۲هزارو ۷۰۰ مورد حمله به محیط‌های آموزشی رخ داده و به بیش از ۲۱ هزار دانش‌آموز و معلم در حداقل ۷۰ کشور آسیب وارد آمده است.

آموزش‌وپرورش یک حق اساسی بشری و یکی از مهم‌ترین چیزهایی است که جهان می‌تواند در اختیار کودک بگذارد. سازمانی که من نمانیده آن هستم، «بنیاد آموزش‌وپرورش فراتر از همه» به آموزش‌وپرورش به عنوان بالاترین حق برای «توانمندسازی» نگاه می‌کند، زیرا مؤثرترین ابزار برای کاهش فقر، ایجاد رشد اقتصادی و ایجاد جوامع صلح‌آمیز و سالم است. با وجود اهمیت تحصیل

عبدالرحمن نجل‌رحیم

مقرئ‌روه

حذف مشق شب و کتاب‌های کمک‌آموزشی در سال‌های اولیه مدرسه در هفته گذشته خبرساز شد. موافقان و مخالفان آن در ابعاد مختلف اجتماعی و سیاسی به تفسیرش پرداختند. از نظر تکامل مغزی، یادگیری زبان تکلمی پیشینی‌تر از آموختن سواد خواندن و نوشتن است. به همین دلیل آموختن زبان مادری در سال‌های اولیه زندگی بیشتر توسط مادر و پدر و اعضای دیگر خانواده امری طبیعی به نظر می‌رسد.

اما آموختن خواندن و نوشتن و اصول ریاضی که از نظر تکامل مغزی ظرفیت پسینی و نسبتاً جدید در جوامع انسانی دارد، پس از سال‌های اولیه در مدارس بر عهده معلمانی گذاشته می‌شود که برای این کار آموزش دیده‌اند. در کشور ما مدت‌هاست که آموزش پیش‌دبستانی و دبستانی یکی از عرصه‌های مهم جدال بین سنت و مدرنیته است. بدیهی است که پسینی‌تربودن همگانی‌شدن قدرت سوادآموزی در مغز انسان در طول تاریخ تکاملی طبیعی‌فرهنگی نسبت به زبان محاوره، آسیب‌پذیری آن و دخالت قدرت حاکمه اجتماعی در تعیین چندویچون آن را بیشتر کرده است.

مشق شب گرچه در ظاهر نوعی تسهیل مهارت یادگیری سواد بر اثر تکرار تمرین آموخته‌ها در ساعت فراغت و مشارکت خانواده در انجام تکالیف درسی کودکان است، ولی تجربیات دوران گذشته تا امروز در کشور ما نشان می‌دهد که مشق شب یکی از بهانه‌های ابزاری برای ترساندن و تنبیه‌کردن و به اطاعت واداشتن افراد از سنین کودکی است. تجربیات کودکی من گواه چنین برداشتی است و ابعاد منکثر آن با ظرافت در فیلم درخشان «مشق شب» عباس کیارستمی، تصویر شده است. در این فیلم نشان داده می‌شود چگونه تمامی عوامل دست‌اندرکار هستند تا مشق شب بهانه‌ای باشد برای تربیت بر محور اعمال تنبیه هرچه خضونت‌بارتر، چیزی که بزرگسالان اکثریت جامعه به آن خو کرده‌اند. پژوهش‌های نوین مغزپژوهی

نشان می‌دهد که تنبیهات خشن دوران کودکی،

محوری عمودی از مدارهای مغزی را فعال می‌کند که به آن محور تنش‌ها یا استرس‌های مسموم می‌گویند. این همان محور آدرنال- هیپوفیز- هیپوتالاموس- آمیگدال- هیپوکامپ- پیش‌پیشانی در مغز است. فعالیت بیش از حد این مدار در بدن سسم ایجاد می‌کند و نوروین‌های قشر خاکستری مغز و مدارهای منتهی به آن را از عملکرد سالم محروم می‌کند که برای کنترل هیجانات، احساسات و تنظیم رفتار مورد نیاز است. وقتی پدرومادرها و معلم‌های ما نیز خود با چنین تجربیاتی پرورش یافته باشند، هیچ تضمینی وجود ندارد که آنها نیز در میانگین رفتار هیجانی عاطفی خود با مشکلاتی روبه‌رو نباشند و آن را چون الگویی برای تربیت نسل بعد به کار نبرند و تربیت از راه تنبیه خضشونت‌آمیز و ایجاد ترس و اضطراب را طلب نکنند.

در فیلم مشق شب، به‌عمد معلم‌ها غایب هستند. فیلم‌ساز، خود در جایگاهی نزدیک به یک بازجو با عینک تیره دالما سؤالاتی را به صورت تکراری پیرامون مشق شب و تکالیف منزل، از دانش‌آموزان می‌پرسد که در انتقال فضای تهدید، رعب و ترس تأثیرگذار است. در ضمن رفتار گیج و مبهم بچه‌های مدرسه در مقابل سؤال‌های تکراری فیلم‌ساز، شرایط نابسامان، آشوب‌زده و تکانشی را بر فضای فیلم مسلط می‌کند.

معلوم است که دانش‌آموزان دچار مشق شب در شرایطی دشوار، آشوب‌زده و بی‌امیدی به سر می‌برند و به دلایلی از پس وظایف خود بر نمی‌آیند. کودکانی که معلوم نیست چرا باید صبح‌های زود با کیف‌های بزرگ غیرمتناسب با قدوقواره خود که انباشته از کتاب و دفتر است، از خانه به مدرسه بروند. آنها در رابطه با مشق شب است که از انواع

و اقسام تنبیه‌های بدنی، با ابزارهایی چون دست، کمربند و خط‌کش ... می‌گویند و کمتر از تشویق چیزی به خاطر می‌آورند. آنها درعین‌حال که بین دو روش متفاوت سوادآموزی در خانه و مدرسه، گیج و سرگردان هستند و نمی‌دانند چرا به خاطرش کتک می‌خورند و تنبیه می‌شوند، حق دارند در این نابسامانی و هرج‌ومرج، بی‌ففاع، نامطمئن و بی‌اعتماد بمانند. آنها اغلب چیزی در حافظه‌شان نمی‌ماند که خود دلیل روشنی است که هیپوکامپ

یادداشت

سیاست و فرهنگ سلبریتی در روزگار معاصر

محمد هدایتی

را می‌دهد و نه آنها خود چنین تمایلی دارند. در ایران اما تأثیرگذاری بیش از حد سلبریتی‌ها یا حداقل ادعاهایی که در این زمینه دارند محصول نهادینه‌شدن سیاست است. احزابی وجود ندارند تا مجرای برای فعالیت سیاسی باشند، در نتیجه سیاست در ایران شکل غیرنهادینه‌شده و تا حدی شخصی دارد. مشارکت سیاسی مسئله‌ها شده و به انتخابات تقلیل یافته است. در این شرایط و به مدد رشد حیرت‌انگیز رسانه‌های اجتماعی، سلبریتی‌ها وارد می‌شوند، بدون تجربه یا حتی آگاهی سیاسی به فعالیت‌های سیاسی موقتی می‌پردازند و سپس محو می‌شوند. هیچ تأثیر دیرپایی وجود ندارد. حضور سلبریتی‌ها در سیاست از همان الگوی کلی سیاست‌ورزی در ایران پیروی می‌کند: حامی‌پروری، در ازای گرفتن امتیازها یا رانت‌هایی، حمایت سیاسی فراهم می‌شود. در این سال‌ها نمونه‌های فراوانی وجود داشته از سلبریتی‌هایی که در ازای حمایت از جریانی سیاسی امتیازات مختلفی کسب کرده‌اند. ازاین‌رو ظهور آنها و شکل حضورشان، با کلیت سیاست‌ورزی در ایران در یک راستا است. این اواخر خودشان را و اهمیتشان را بیش از اندازه برآورد می‌کنند، تا جایی که حمایت خود را عامل پیروزی سیاست‌مداران می‌دانند. البته

مغزشان، منطقه‌ای که برای به‌خاطرسپردن حافظه بر زندگی‌شان مسموم شده و آسیب دیده است. به همین علت اگر به رفتار مجید در مشق شب توجه کنید، او اوج هراس فلج‌کننده‌ای که دستگاه کنترل عواطف و احساسات در مغز پیش‌پیشانی‌اش را از کار انداخته، به طرز تکان‌دهنده‌ای به نمایش می‌گذارد. در رفتار او آشکار است که بادامک ترس (آمیگدال) در عمق مغزش، به‌طور دائم و مکرر از هر نشانه‌ای حتی غیرمستقیم، تهدید برای تنبیه را بیرون می‌کشد و به بقیه مغزش در مدارهای کنترلی مجال فعالیت نمی‌دهد. در این شرایط هولناک احساس تهدید دائم است که مجید فیلم مشق شب، ملتمسانه و عاجزانه به دنبال فرار از فضای خضونت و تهدید و التیام‌جویی موقت در پناه متن شعری است که در آرزوی دوستی، مهربانی و

عشق می‌خواند. ممکن است که امروزه تنبیهات بدنی در تعلیم و تربیت کشور ما نسبت به قبل رواج کمتری داشته باشد، ولی هنوز جو تهدید و ترس و هراس از تنبیه و مجازات بر فضای آموزشی ما سایه انداخته است. آیا وقتی در کشوری ۸۰میلیونی تیراژ کتاب به زیر هزار عدد می‌رسد، دلیلی نیست که ما دارای سواد از روی اختیاری داوطلبانه نشده‌ایم و از خواندن کتاب هراس داریم؟ آیا به همین دلیل روشن نیست که تنها کتاب‌های درسی و کمک‌درسی که تهیه آن در جهت اخذ مدرک بالای تحصیلی، اجباری است، فروش بالایی پیدا کند و صاحبان انتشارات وابسته به قدرت‌شان را ثروتمند کنند؟ در این میانه آیا طبیعی نیست که تشکیلات وابسته به کتاب‌های درسی و کمک‌درسی نگران حذف مشق شب باشند؟

از پیش روشن است که ماندن یا حذف مشق شب تحولی در آموزش‌وپرورش این سرزمین ایجاد نمی‌کند، زیرا به نظر می‌رسد که حاکمیت ترس و تهدید و تنبیه و اعمال خضشونت بر فضای آموزشی زاییده تنش سنت و مدرنیته و جان‌سختی سنت برای بقا در همه عرصه‌های اجتماعی باشد. در این میان، مشق شب می‌تواند تنها تلنگری باشد بر کالبد جامعه‌ای بیمار که هنوز از خواندن و نوشتن و آموختن واقعیات هراس دارد، زیرا مغزش با این هراس پرورش یافته است.

گاهی هم بلافاصله از حمایتشان پشیمان می‌شوند و ضدجریانی ایجاد می‌کنند. اگر احزابی واقعی وجود داشتند، اگر مشارکت سیاسی درازدمنه‌تر بود و نهادینه‌تر، احتمالا شکل حضور سلبریتی‌ها در سیاست و تأثیرگذاری‌شان متفاوت می‌شد. سلبریتی‌ها در اقتصاد ایران هم حضور دارند؛ در اقتصادی غیرتولیدی که بیش از هر چیز با سوداگری‌های مالی غیرتولیدی و تا حدی رانتی شناخته می‌شود. برخی از این سلبریتی‌ها به شبکه‌های مالی که از حمایت سیاسی هم برخوردارند وصل هستند. عکس‌های آنها، در حال تبلیغات مؤسسات مالی همه‌جا وجود دارد. آنها همه‌جا هستند، از مواهب برخوردارند و گاه ژست‌های رادیکال می‌گیرند، بدون اینکه مناسبات موجود را به پرسش بگیرند. آنها خود بخش مهمی از وضعیت موجود هستند و از ذی‌نفعان آن.

البته تردیدی نیست که نمی‌شود گاهی تمام انتقادی به حضور سلبریتی‌ها داشت. فعالیت آنها در کمپین‌هایی انسان‌دوستانه یا کمپین‌هایی برای حفظ محیط زیست می‌تواند راهگشا باشد، اما در این عرصه‌ها هم شرایط ساختاری و البته ویژگی موقتی‌بودن حضور سلبریتی‌ها مانع از تأثیرات دیرپا می‌شود.

دور دنیا

فقیر تر، کثیف تر و تفرقه بیشتر



کنید کثیف‌تر و دچار تفرقه بیشتر هستید، در این احساس تنها نیستید. تاکر در این‌گونه اظهارات غوغا می‌کند ولسی او چیزی جز یک نژادپرست حقیر نیست که می‌تواند آزادانه به ساختمان تپه (کنگره و سنا) رفت‌وآمد داشته باشد». کارلسون همچنین گفته بود مهاجرانی‌که از مرز جنوبی ایالات متحده می‌گذرند «بدجویی چشم‌انداز طبیعی کشور را به زباله آلوده می‌کنند».

کولبرت هم در پاسخ گفت:

«به نکته خوبی اشاره کردی، چون آمریکایی‌ها هیچ‌وقت آشغال نمی‌ریزند. تا بحال شده بعد از کوچلا (جشنواره هنر و موسیقی در کالیفرنیا) نگاهی به بیابان بیندازی؟». کولبرت همچنین به اظهارات زن‌ستیزانه کارلسون حمله کرد و با ساختن چند اصطلاح کنایه‌آمیز از واژه‌هایی که کارلسون دراین‌باره به‌کار برده بود، او را به باد تمسخر گرفت.

«آنها» اصرار دارند که «ما اجبار اخلاقی داریم به اینکه بدبخت‌ها و بیچاره‌های دنیا را بیدیمیز... حتی اگر کشور ما فقیرتر و کثیف‌تر و بیشتر دچار تفرقه شود». کولبرت در پاسخ به کارلسون که پیش‌تر هم به‌واسطه مواضع نژادپرستانه‌اش شعرتی به هم زده است، گفت: «حالا اگر فقط گوش‌دادن به حرف‌های تاکر (کارلسون) باعث می‌شود احساس

حملات لفظی مجریان دو شبکه تلویزیونی آمریکایی‌سی‌بی‌اس و فاکس‌نیوز علیه یکدیگر شدت گرفته است. در واقع شبکه سی‌بی‌اس که به چپ میانه آمریکا تعلق دارد و جانب دموکرات‌ها را می‌گیرد و فاکس‌نیوز متمایل به راست افراطی و جمهوری خواهان و به‌ویژه ترامپ است، مدت‌هاست که درگیرند و کشمکش ادامه‌دار آنها در این هفته به درگیری لفظی استیون کولبرت، مجری برنامه آخر شب سی‌بی‌اس با تاکر کارلسون در فاکس‌نیوز کشیده است. در آخرین واکنش‌ها، کولبرت به مواضع نژادپرستانه کارلسون تاخته است. به گزارش سایت سرگرمی دلایل، این حمله بعد از آن صورت گرفت که کارلسون گفت به علت ورود مهاجران از مرز جنوبی آمریکا با مکزیک، ۷۰ سال دیگر صبر کنیم تا مبنای حقوق بشر فراهم شود. همه کسانی که مرتکب خضونت علیه کودکان می‌شوند، باید بدون هیچ استثنایی پاسخ‌گو باشند.

روز جهانی حقوق بشر زمان آن روشنگری درمورد تأثیر جنگ در آموزش کودکان است. در جهانی که هنوز وابستگی متقابل بیشتر می‌شود و چالش‌ها تشدید می‌شوند، اهمیت کلیدی آموزش‌وپرورش نیز در توسعه، صلح و رفاه بیشتر می‌شود. نمی‌توانیم ۷۰ سال دیگر صبر کنیم تا مبنای حقوق بشر فراهم شود. همه کسانی که مرتکب خضونت علیه کودکان می‌شوند، باید بدون هیچ استثنایی پاسخ‌گو باشند.